

مطالعه تطبیقی عملکرد صندوق‌های مدیریت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در کشورهای مختلف^۱

هدی پناهی‌نژاد^۲

سعیده شفیعی^۳

چکیده

نگرانی راجع به آثار منفی بالقوه یک تولیدکننده منابع طبیعی بودن در بین اقتصاددانان توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ظهور کرد. اهمیت یافتن درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در اقتصاد کشورهای تولیدکننده و صادرکننده و شناخت پیامدهای حاصل از ورود حجم قابل توجه و به ویژه بروز نوسانات بی‌قاعده این درآمدها بر اثر وقوع شوک‌های مثبت یا منفی در روند قیمت منابع طبیعی در بازار جهانی، ضرورت مدیریت بر این درآمدها را آشکار کرده است. یکی از راهکارهای مورد استفاده جهت دوری از بروز این پدیده‌ها در این کشورها، ایجاد صندوق نفت جهت جلوگیری از ورود بی‌محابای جریان درآمد نفت به اقتصاد این کشورها عنوان گردید اما شکل‌گیری صندوق‌های مدیریت درآمد حاصل از منابع طبیعی در کشورهای صاحب این منابع، همواره نتایج موفقیت‌آمیزی از خود نشان نداده است. در مقاله حاضر تلاش گردیده است تا به بررسی موارد موفق و ناموفق این صندوق‌ها و دلایل آن اشاره گردد و پیشنهادهایی به منظور موفقیت صندوق توسعه ملی استخراج گردد. از این رو چهار شاخص رشد تولید ناخالص داخلی به همراه رشد درآمد سرانه، تورم، رشد واقعی درآمدهای نفتی در مقابل هزینه‌های واقعی دولت و وابستگی به صادرات منابع طبیعی در کشورهای دارای صندوق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج حاکی از آن است که صندوق‌های نفت نروژ و الجزایر عملکرد خوبی در جلوگیری از عدم فعال شدن مکانیسم‌های نفرین منابع در این اقتصادها داشته‌اند. صندوق‌های اکوادور و مکزیک عملکرد متوسطی داشته‌اند و روسیه و ونزوئلا با عملکرد ضعیفی در این زمینه مواجه بوده‌اند.

واژگان کلیدی: منابع طبیعی، صندوق مدیریت درآمد، اقتصاد کلان، بیماری هلندی، نفرین منابع.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "مدیریت کارآمد درآمدهای نفتی و نقش صندوق توسعه ملی" می‌باشد که توسط نگارندگان در مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی انجام پذیرفته است.

۲. کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی h.panahinejad@gmail.com

۳. کارشناس ارشد اقتصاد انرژی، پژوهشگر s.sh1362@gmail.com

۱- مقدمه

کشف منابع نفتی در کشورهای در حال توسعه و افزایش قیمت آن از دهه ۱۹۷۰ به بعد، در ابتدا به این کشورها نوید نجات از توسعه نیافتگی و پیشی گرفتن از کشورهای توسعه یافته را می داد. این کشورها و بسیاری از اقتصاددانان گمان می کردند استفاده از درآمدهای نفتی می تواند به رشد سریع اقتصادی و توسعه یافتگی بیانجامد ولی آن چه که در عمل رخ داد، دچار شدن کشورهای صاحب درآمدهای نفتی به بیماری هلندی، افزایش فساد مالی و اداری، شکل گیری گروه های رانت خوار و وابستگی بیشتر به کشورهای خارجی و در مجموع افت شاخص های توسعه یافتگی بوده است. تلاش برای بررسی علت این وضعیت، نتایجی چون پیدایش نظریه نفرین منابع را به همراه داشت که سعی در نمایش عوارض افزایش قیمت نفت بر روند توسعه کشورهای متکی به منابع معدنی داشت و این در حالی است که این پدیده در تمامی کشورهای صاحب منابع نفتی رخ نداده است.

برخی از این کشورها نه تنها دچار افت شاخص های توسعه یافتگی نشده اند بلکه با مدیریت صحیح منابع و جریان ورودی درآمدهای حاصل از منابع طبیعی توانسته اند پیشرفت های اقتصادی قابل ملاحظه ای داشته باشند. ایجاد صندوق های مدیریت درآمد حاصل از منابع طبیعی یکی از راهکارهای مؤثر جهت دوری از آثار منفی ورود این درآمدها به اقتصاد بود که طی سه دهه اخیر از سوی کشورهای دارنده این منابع به کار گرفته شد. در این مجال تلاش بر آن است تا به بررسی این تجارب و دلایل موفقیت یا شکست آنها در کشورهای مختلف پرداخته شود. علاوه بر این هدف این مقاله آن است تا با توجه به تجربیات کشورهای دارای صندوق منابع طبیعی به ارائه رهنمودهایی در خصوص موفقیت صندوق توسعه ملی طی سال های آینده بپردازد.

مقاله حاضر در چهار بخش ارائه می شود. در ابتدا به مبانی نظری موضوع که مبتنی بر راهکارهای مدیریت درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی و ادبیات تئوری "نفرین منابع" می باشد، اشاره می گردد. در ادامه مشخصات صندوق های منابع طبیعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش سوم نیز تحلیل موفقیت یا شکست تجربیات کشورهای مختلف در زمینه صندوق های منابع طبیعی آورده شده است. بخش چهارم به جمع بندی، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات اختصاص یافته است.

۲- مبانی نظری

عموماً تصور می شود که کشورهای دارای منابع معدنی، خوش بخت هستند. یک چنین ذخایری، دارایی و بخشی از سرمایه طبیعی کشور به حساب می آیند. این دیدگاه از اینجا ایجاد می شود که انتظار می رود درآمدهای کلان نفتی ناشی از منابع طبیعی ثروت ایجاد کند، رشد اقتصادی را بهبود بخشد و فقر را کاهش دهد. تئوری های استاندارد اقتصادی نیز می گویند که قیمت بالای نفت و سایر منابع طبیعی باید کشورهای تولیدکننده را حداقل از دو جنبه منتفع سازد.

اول، جریان کلان درآمدی ناشی از صادرات، فرصت سرمایه گذاری در پروژه ها و برنامه هایی را که توسعه را ارتقا می بخشد، فراهم می کند که البته این گزاره بر پایه برخی فروض شکل گرفته است. از جمله این که اطلاعات کامل و جامعی راجع به ارتقای توسعه وجود دارد و دیگر این که فرصت های سرمایه گذاری آشکار هستند و تصمیمات سرمایه گذاری به صورت عقلانی گرفته می شوند و همچنین کشورها از ظرفیت نهادی و انسانی کافی برای اجرای این تصمیمات برخوردارند.

دوم، جریان ارز خارجی ناشی از صادرات منابع طبیعی می تواند بر مشکلات تحلیل شکاف دوگانه فائق آید. تحلیل شکاف دوگانه می گوید که بهبود نرخ پس انداز داخلی برای جبران سرمایه گذاری ناکافی، لزوماً به ارتقای توسعه نمی انجامد. توسعه ممکن است نیازمند دسترسی به کالاهای سرمایه ای وارداتی باشد که برای آن نیز ارز خارجی ضروری است؛ در حالی که پس اندازها با پول داخلی انجام می شوند (الشیبلی و تیروال^۱ و جوشی^۲). مورد اول با نظریات بنیادگرایان سرمایه داری قرابت دارد (لوئیس^۳ و روستو^۴).

1 El Shibley and Thirwal (1981)

2 Joshi (1970)

3 Lewis (1955)

4 Rostow (1960)

در تاریخ توسعه اقتصادی، سرمایه جایگاهی مرکزی را به خود اختصاص داده و برای فرآیند توسعه، متغیری استراتژیک به شمار آمده است. از این رو، برخی از نظریات اقتصادی معتقدند که افزایش سرمایه‌گذاری بهترین راه افزایش تولید آتی است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، این ایده پایه تئوری توسعه اقتصادی را که تحت عنوان "بنیادگرایی سرمایه‌داری" شناخته می‌شود ایجاد کرد. تحت این نظریه، تفاوت در میزان ذخیره سرمایه عامل اصلی تفاوت در سطح تولید ملی است. از این رو بنیادگرایان سرمایه‌داری معتقدند که رشد سریع سرمایه، عامل اصلی رشد اقتصاد به شمار می‌رود. به این ترتیب، نسخه‌ای که بنیادگرایان سرمایه‌داری برای کشورهای می‌پسند به این شرح است: سیاست‌های ملی و بین‌المللی باید برای افزایش ذخیره سرمایه یک کشور به عنوان بهترین راه تسریع توسعه اقتصادی برنامه‌ریزی شوند. ولی پس از آن، تئوری رشد نئوکلاسیک و تحقیقات رشد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ نشان داد که الگوهای متفاوت سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه، عامل اصلی فقر یا ثروت کشورها نبوده است.

این تحقیقات نشان داد که بهبود تکنولوژی (نه تجمع سرمایه) منجر به بهبود سطح زندگی در بلندمدت می‌شود ولی از آن جا که بیشتر شواهد بنیادگرایی سرمایه بر پایه مطالعات موردی کشورهای کمتر توسعه‌یافته شکل گرفته، ولی بیشتر شواهد نظریات مخالف آن از کشورهای پیشرفته به دست آمده است؛ پس از آن، تحقیقات بعدی به نتایجی رسیدند که دستاوردهای بنیادگرایان سرمایه‌داری را تأیید می‌کرد و نشان می‌داد که تفاوت در الگوی فیزیکی تجمع سرمایه می‌تواند تفاوت در سطح تولید ملی کشورها را توضیح دهد و افزایش در نرخ سرمایه‌گذاری ملی می‌تواند به ایجاد افزایش چشم‌گیری در نرخ رشد اقتصادی بیانجامد. بنیادگرایان سرمایه‌داری بر این باورند که نرخ تجمع سرمایه فیزیکی، عامل اصلی تعیین‌کننده رشد اقتصادی است. مدل رشد هارود (۱۹۳۹) - دومار (۱۹۴۶) پایه تئوریک اصلی بنیادگرایی سرمایه‌داری را بنا نهاد. همچنین پیش از این دیدگاهی در اقتصاد توسعه وجود داشت مبنی بر این که اقتصادهای فقیر باید به دنبال جهش بزرگ باشند تا از چرخه فقر با جهش بزرگ خارج شود (روزنشتاین رودن^۱ ۱۹۴۳ و مورفی^۲ ۱۹۶۱، و دیگران^۳ ۱۹۸۹). به این ترتیب، طرفداران بنیادگرایی سرمایه‌داری به پشتوانه نظریات جهش بزرگ، معتقد بودند که با دارا بودن درآمد نفت، امکان سرمایه‌گذاری درآمدهای نفتی و ایجاد رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌شود.

مطالعات بسیاری در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی و کمک مورد نیاز کشورهای کمتر توسعه یافته انجام شده است که مدل "شکاف" متداول‌ترین ابزار برای تحلیل این مسئله بوده است. سه متغیر ابتدائی مدل به شرح ذیل است. شکاف پس‌انداز و سرمایه خارجی را که به عنوان مکمل پس‌انداز داخلی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده لحاظ می‌شود. با داشتن یک نسبت ثابت سرمایه به تولید، سرمایه‌گذاری از رشد هدف به دست می‌آید. سپس، پس‌انداز داخلی تخمین زده می‌شود و به این ترتیب جریان سرمایه خارجی از مابه‌التفاوت سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده و پس‌انداز داخلی در دسترس به دست می‌آید. مدل شکاف مبادلاتی (بالاسا^۴ و اونکتاد^۴) سرمایه خارجی را تنها منبع ارز خارجی در نظر می‌گیرد که می‌تواند برای توسعه ظرفیت وارداتی به کار گرفته شود.

این دیدگاه به این معنی است که برای بسیاری از کشورهای درحال توسعه، پس‌انداز انتظاری بیش از حدی وجود دارد که به علت محدودیت دسترسی به نرخ ارز خارجی در اقتصاد ایجاد شده است. این مطالعات به این نتیجه‌گیری ختم شده که نرخ رشد پائین بسیاری از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به علت محدودیت ظرفیت وارداتی آنها رخ داده است. مدل دوشکاف، هم شکاف مبادلاتی و هم شکاف پس‌انداز را به حساب می‌آورد. مرحله توسعه یک کشور مشخص کننده این است که کدام شکاف محدودیت بیشتری ایجاد کرده است با توجه به این دیدگاه، درآمد نفت می‌تواند نقش کمک خارجی را برای پر کردن این شکاف‌ها بازی کند. به این

1 Rosenstein and Rodan

2 Murphy

3 Balassa (1964)

4 UNCTAD

ترتیب مشاهده می‌شود که دیدگاه سنتی اقتصادی، توجیهاتی تئوریک را مبنی بر این که درآمد ناشی از فروش منابع طبیعی می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی بیانجامد فراهم کرده است.

۳- ادبیات موضوع

برخلاف نظرات اولیه، مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که وابستگی بیشتر به منابع ملی یا منطقه‌ای به رشد اقتصادی کمتری می‌انجامد. کشورهای غنی در منابع لزوماً عملکرد اقتصادی مناسبی ندارند و این وضعیت به ویژه در کشورهای در حال توسعه کاملاً مشهود است. نگرانی راجع به آثار منفی بالقوه یک تولیدکننده منابع طبیعی بودن در بین اقتصاددانان توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ظهور کرد. در ابتدا نگرانی توسط پریش^۱ و سینگر^۲ نمایان شد. آنها معتقد بودند که صادرکنندگان مواد اولیه (کشورهای پیرامون) از مبادله با کشورهای صنعتی (کشورهای مرکز) زیان خواهند کرد، زیرا شرایط مبادله برای آنها مدام بدتر می‌شود. سایرین (هیرشمن^۳، سیرز^۴ و بالدوین^۵ این اثر منفی را با بحث بر سر این که پیوندهای ایجاد شده از صادرات محصولات اولیه در اقتصاد نسبت به محصولات تولیدی محدود است نشان داده‌اند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، مطالعات اقتصاددانان عمدتاً بر محصولات اولیه و منابع طبیعی متمرکز بود ولی در دهه ۱۹۷۰، توجه‌ها به تجربه کشورهای صادرکننده نفتی جلب شد و این بحث پیش آمد که درآمد کلان نفت می‌تواند آثار منفی بر توسعه کشورهای صادرکننده داشته باشد (نیری و ون وینبرجن^۶، مابرو و منرو^۷). این آغاز ادبیات موضوعی بود که به بررسی آزمون تئوری نفرین منابع در کشورهای دارنده منابع نفت و گاز می‌پرداخت. از این رو صادرکنندگان نفت به صورت ویژه جهت بررسی فرضیه اثر منفی منابع مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برخی مطالعات در برخی کشورهای عضو اوپک رابطه‌ای منفی را بین درآمد نفت و تولید ناخالص ملی در بلندمدت و همچنین بین درآمدهای نفت و سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت نشان داده‌اند. عربستان، مکزیک و ونزوئلا نرخ رشد کمتری نسبت به متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سالانه از خود نشان دادند. مکزیک به ویژه به عنوان نمونه خوبی از اثر منفی منابع شناخته شده است. بعد دیگری از اثر منفی منابع، به جز اثر منفی بر رشد، رواج فقر و وضعیت نامناسب کشورهای صادرکننده نفت و گاز و مواد معدنی در کاهش فقر است. البته محققان دیگری (آوتی^۸، فیلدز^۹ و جیوانجی^{۱۰}) نیز تأکید داشتند که فزونی منابع به بدتر شدن نابرابری درآمدی می‌انجامد. [۱]

در عین حال، محققان متفاوت از این دیدگاه که کشورهای فقیر از نظر منابع اغلب رشد اقتصادی بهتری نسبت به کشورهای دارای منابع داشته‌اند حمایت می‌کنند. در این بین ساچز و وارنر^{۱۱} با یافتن رابطه منفی بین فزونی منابع طبیعی و رشد اقتصادی نشان دادند که به جز چند استثنا، متأسفانه مزایای بالقوه درآمد نفت و سایر منابع طبیعی در بیشتر کشورها محقق نشده‌اند و بیشتر کشورهای دارای منابع طبیعی نتوانسته‌اند از درآمد ناشی از استخراج منابع طبیعی برای فایده رساندن به جامعه خود بهره‌برند. [۲] کشورهای صادرکننده نتوانسته‌اند درآمد منابع طبیعی را برای رسیدن از مرحله "در حال توسعه بودن" به "بازارهای در حال ظهور" به کار برند. این نتیجه ضعیف، اولین بار در دهه ۱۹۹۰ "نفرین منابع" نامیده شد. نفرین منابع به پارادوکسی که کشورها با

1 Perbisch (1950, 1964)

2 Singer (1950)

3 Hirschman (1958)

4 Seers (1964)

5 Baldwin (1966)

6 Neary and Van Wijnbergen (1986)

7 Mabro Menroe (1974)

8 Auty (1994b)

9 Fields (1989)

10 Sarraf and Jiwaji (2001)

11 Sachs and Warner (1995a)

فزونی منابع طبیعی به ویژه منابع تجدیدناپذیر، رشد اقتصادی کمتر و دست‌آوردهای توسعه‌ای ضعیف‌تری نسبت به کشورهای با منابع طبیعی کمتر دارند اشاره دارد. [۳]

از دیگر ویژگی‌های نفرین منابع می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- استانداردهای کلی زندگی در کشورهای وابسته به نفت و منابع معدنی (با توجه به درآمد سرانه آنها) کم است.
- سطوح بالاتر وابستگی به منابع معدنی همبستگی بالایی با نرخ فقر بیشتر دارد.
- کشورهای وابسته به نفت و مواد معدنی از نرخ بالای مرگ و میر و امید به زندگی پائین آسیب می‌بینند.
- کشورهای وابسته به نفت با نرخ بالای سوء تغذیه کودکان، میزان پائین مخارج زندگی بر روی سلامت، نرخ پائین ثبت نام در مدارس ابتدائی و راهنمایی و نرخ پائین سواد بزرگسالان روبه‌رو هستند.
- وابستگی به مواد معدنی با نابرابری درآمدی همبستگی بالایی دارد.
- دولت‌های نفتی و منابع معدنی نسبت به شوک‌های اقتصادی آسیب‌پذیر هستند.
- دولت این کشورها از نرخ بالای فساد، دولت مستبد، بی‌اثری دولت و جنگ داخلی رنج می‌برند. [۴]

بررسی نفرین منابع، ادبیات موضوع زیادی را به خود اختصاص داده که از آن جمله می‌توان به راس^۱، استیونس^۲، اودی^۳، راسر^۴، وینتال^۵ و ساچز و وارنر، بولت^۶ و دیگران، لونگ^۷، هامفریز و دیگران^۸، جیلفاسون^۹، اوتی و بولمر-توماس^{۱۰}، لال و مینت^{۱۱}، کاری^{۱۲}، سالای مارمارتین و سابرامانیان^{۱۳} و رانیس^{۱۴} اشاره کرد. [۵]

کشورهای صادرکننده مواد معدنی نیز کارهای تجربی‌ای را برای ارزیابی رواج "نفرین منابع" انجام داده‌اند (اوتی ۱۹۹۳، نانکانی^{۱۵} ۱۹۷۹). [۶] ساچز و وارنر (۱۹۹۷) پس از بررسی نمونه‌ای از ۹۵ کشور در حال توسعه بین سال‌های ۹۰-۱۹۷۰، دریافتند که تنها دو کشور در فهرست کشورهای غنی در منابع که حتی قبل از دوره ۸۰-۱۹۷۰ رشد دو درصدی سالانه را حفظ کردند، وجود دارد که گرفتار نفرین منابع نشده‌اند. ساچز و وارنر در انتشارات مختلف خود داده‌ها را شدیداً دستکاری کرده‌اند تا تعداد زیادی از متغیرهای توضیحی را حذف یا اضافه و تأیید کنند. در نهایت دریافته‌اند که فزونی منابع آثار ماهیتی منفی‌ای بر عملکرد اقتصادی دارد. همچنین اوتی (۲۰۰۱)، دریافت که بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، درآمد سرانه کشورهای فقیر از نظر منابع بین دو تا سه برابر سریع‌تر از کشورهای غنی از نظر منبع رشد کرده است. اوتی اذعان کرد که "کشورهای دارای مواد معدنی، جزو کشورهایی هستند که بدترین عملکرد اقتصادی را دارند". [۷]

جرلاج^{۱۶} اخیراً این تحقیق را به آمریکا توسعه داده و نشان داده است که نفرین منابع در سطح بخش‌های آمریکا هم موجود است. لازم به ذکر است که آزمون نفرین منابع در سطح بخش مزایای متعددی دارد. اولاً بیش از ۳۰۰۰ شهرستان در آمریکا وجود دارند

-
- 1 Ross (1999)
 - 2 Stevens (2003, 2006)
 - 3 ODI (2006)
 - 4 Rosser (2006a)
 - 5 Weinthal
 - 6 Bulte
 - 7 Luong (2006)
 - 8 Humphreys (2005, 2007)
 - 9 Gylfason (1999, 2001)
 - 10 Bulmer and Thomas (1994)
 - 11 Lal and Mint (1996)
 - 12 Kari (1988)
 - 13 Sala-i-marmartin and Subramanian (1997)
 - 14 Ranis (2003)
 - 15 Nankani (1994)
 - 16 Gerlagh (2007)

که بررسی این حجم نمونه، اطمینان از تخمین‌های اقتصادسنجی را افزایش می‌دهد. ثانیاً نیاز کمتری به کنترل نهادی یا سیاسی وجود خواهد داشت. ثالثاً تحلیل بخشی نیازی به نگاه کردن به نفرین منابع از دریچهٔ تجمعی ندارد. این سطح خرد تحلیل، به محققان امکان بررسی چگونگی عملکرد نفرین منابع و چرایی تخصیص‌گرایی در صنایع منابع طبیعی را که رشد اقتصادی کمتری را فراهم می‌کنند، می‌دهد. پاپیراکیس^۱ و جرج نشان داده‌اند که کشورهای ثروتمند نیز نتوانسته‌اند از نفرین منابع فرار کنند و نفرین منابع در سطح ایالات آمریکا نیز وجود دارد. جیمز و آدلند^۲ در تحقیقی نشان دادند که نفرین منابع حتی در سطح بخش‌هایمین و وایومینگ^۳ نیز وجود دارد. [۸] با این وجود، به نظر می‌رسد نفرین منابع طی دورهٔ مورد بررسی یعنی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ در حال ناپدید شدن بوده است. [۹] به این ترتیب، تحقیقات بسیاری پشتیبان فرضیهٔ نفرین منابع را شکل می‌دهند ولی سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مکانیسم‌های وجود نفرین منابع در یک اقتصاد چیست که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴- مکانیسم‌های نفرین منابع

پژوهشگران جهت توضیح علل ایجاد نفرین منابع، این توضیح را ارائه می‌دهند که در صنایع استخراجی مانند نفت و گاز، درآمد نسبت به هزینهٔ تولید بسیار بیشتر است و به این ترتیب رانتهی به کسانی که منابع را کنترل می‌کنند، می‌رسد. این رانت می‌تواند بیانگر یک نعمت مهم و بالقوه برای یک کشور باشد ولی همزمان منبع سوء تدبیر نیز به شمار می‌رود. این که دقیقاً چگونه درآمدهای نفتی رشد اقتصادی را کند می‌کند یا مکانیسم انتقال از رانت به رشد، یک موضوع کاملاً آشکار و قطعی نیست. حداقل پنج مکانیسم محتمل وجود دارد که از طریق آنها رانت می‌تواند رشد را به تعویق بیندازد. تجویزهای سیاسی برای مقابله با نفرین با توجه به مکانیسم شکل گرفته فرق می‌کند. پنج مکانیسم نفرین منابع به شرح ذیل‌اند:

۴-۱- بیماری هلندی

تجربهٔ هلند در دههٔ ۱۹۷۰ پس از کشف میدان گازی، منجر به ایجاد بیماری هلندی شد. این بیماری به صورت محدود شدن بخش مبادلاتی غیرهیدروکربنی پس از افزایش ارزش نرخ ارز داخلی رخ داد. [۱۰] معمولاً آثار بیماری هلندی ناشی از صادرات منابع طبیعی، می‌تواند مانع رشد در بخش تولید شود. بخش تولید به عنوان بخشی در نظر گرفته می‌شود که گسترش آن آثار مثبت بهره‌وری ایجاد کرده و منجر به افزایش بازده می‌شود. رشد کندتر در بخش تولید، به علت رقابت برای نیروی کار و سرمایه از بخش منابع و رشد ثانویه در بخش غیرقابل مبادله، منجر به کاهش پتانسیل اقتصادی رشد پویا می‌شود. همچنین اگر تغییرات یادگیری و بهره‌وری عمدتاً در بخش صادرکنندهٔ منابع هیدروکربنی رخ دهد، یا این فعالیت‌ها اثر خارجی ایجاد کنند، رشد بلندمدت اقتصادی ممکن است از این طریق آسیب بیند.

در رابطه با صادرات منابع طبیعی، جریان درآمد کلان ناشی از صادرات، فشار روبه بالایی را به نرخ ارز وارد می‌کند و همچنین به افزایش شدید در تقاضای داخلی نسبت به توانایی کشور به عرضهٔ آن میزان تقاضا می‌انجامد. افزایش تقاضا از بخش بودجهٔ عمومی و جایی که درآمد به بخش بانکداری داخلی وارد می‌شوند، نشأت می‌گیرد. افزایش تقاضا در عوض قیمت کالاهای غیرمبادلاتی را افزایش می‌دهد و منجر به افزایش ارزش بیشتر نرخ ارز داخلی می‌شود. ترکیب این آثار عموماً به کاهش شدید در رقابتی بودن صادرات غیر نفتی، انتقال منابع داخلی به بخش‌های غیرمبادلاتی و تخریب تنوع و تعادل در اقتصاد داخلی می‌انجامد. شواهد بیماری هلندی تقریباً در تمامی کشورهایی که نفت نقش مهمی را در اقتصادشان بازی می‌کند، مشاهده شده است. به این ترتیب می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیماری هلندی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن افزایش در قیمت کالا، دستمزد واقعی را افزایش داده و نرخ ارز داخلی را گران‌تر کرده و به این ترتیب رقابت‌پذیری را و همچنین تولید و صادرات سایر بخش‌ها را کاهش می‌دهد و

1 Papyrakis
2 James and Aadland
3. Maine and Wyoming

در بیماری هلندی، ارزش‌گذاری بیش از حد نرخ ارز منجر به تضعیف رقابت‌پذیری بین‌المللی می‌شود. به طور خلاصه، درآمد حاصل از منابع طبیعی، ساختار صنعتی را تغییر می‌دهند که ممکن است منجر به کاهش بهره‌وری و توسعه شود. [۱۱]

۲-۴- رانت‌جویی

فرصت‌های جدید درآمدی ناشی از رانت منابع طبیعی به رانت‌جویی می‌انجامد. رانت‌جویی را می‌توان به عنوان دنبال کردن رانت با هزینه‌های اجتماعی کلان تعریف کرد و برخی انواع رانت‌جویی را فساد می‌نامند. مکانیسمی که از طریق آن افزایش رانت منابع طبیعی می‌تواند به رشد آسیب رساند، زمانی است که کارآفرینان از استعداد خود برای انجام فعالیت رانت‌جویی به جای اداره بنگاه‌های مدرن بهره می‌برند که این وضعیت منجر به کاهش تولید می‌شود. در اقتصادهای دارای منابع طبیعی، افراد ماهر می‌توانند بیش از آن که از ایجاد یک تجارت جدید بهره‌برند، از تبدیل شدن به بوروکرات یا لابی‌کننده بهره‌برند. از آن جا که این وضعیت به جای افزایش یک (تولید ناخالص داخلی)، به بازتوزیع یک موجود می‌انجامد (که حتی ممکن است به علت تلاش برای بازتوزیع کاهش نیز یابد)، از نظر اجتماعی هزینه‌بردار است. [۱۲]

لوبیلون^۱ معتقد است فعالیت‌های رانت‌جویانه افزایش خالص در درآمد جامعه را کاهش می‌دهند. هرچه افراد بیشتری در فعالیت‌های رانت‌جویانه شرکت کنند، درآمد بیشتر کاهش می‌یابد. مشکل اصلی از جنگیدن برای دستیابی به رانت نشأت نمی‌گیرد بلکه از اینجا نشأت می‌گیرد که منابع (مهارت‌ها زمان و انرژی) مردمی که برای دستیابی به رانت بیشتر تلاش می‌کنند می‌تواند در جاهای دیگر به کار گرفته شود. رانت‌ها محرک‌های تغییر یافته‌ای برای کارآفرینان ایجاد کند و (وقتی آثار خارجی در تولید وجود دارد) دارا بودن منابع بیشتر می‌تواند در واقع به کاهش خالص در درآمد بیانجامد. در بسیاری از کشورهای دارای منابع طبیعی، رقابت برای رانت منجر به ایجاد جنگ شده است. کلیور و هافلر^۲ دریافته‌اند که فزونی منابع منجر به ایجاد تعارض می‌شود؛ رانت بیشتر منابع، احتمال جنگ را به علت دسترسی به منابع مالی و پاداش بزرگ‌تر برنده افزایش می‌دهد. مطالعات تورویک (۲۰۰۲) بلند و فرانکوئیز^۳ بر اثر فزونی منابع طبیعی بر رفتارهای رانت‌جویانه و درآمد تمرکز کرده‌اند. [۱۳]

۳-۴- حمایت

وجه سیاسی اقتصادی دیگری از نفرین منابع حمایت است. منظور از حمایت، استفاده از منابع دولتی برای حفظ قدرت سیاسی است. زمانی که سیاستمداران مناصب سیاسی را با هدف نفع شخصی به دست می‌آورند، حمایت تبدیل به نوعی از فساد می‌شود. همانند مدل‌های رانت‌جویانه، در این وضعیت نیز افراد با محرک‌های تغییر یافته‌ای روبه‌رو می‌شوند ولی در اینجا تمرکز بر محرک‌های سیاسی و چگونگی تأثیرپذیری تصمیمات نخبگان سیاسی از منابع طبیعی است. رابینسون و دیگران^۴ نشان می‌دهند که چگونه سیاستمداران، آینده را با افق کوتاه‌برنامه‌ریزی، (یعنی تا زمانی که خودشان در قدرت هستند) تخریب می‌کنند. با افزایش منابع، مطلوبیت آتی دارا بودن قدرت افزایش می‌یابد و در نتیجه، سیاستمداران سیاست‌هائی را برمی‌گزینند که احتمال باقی ماندن آنها در قدرت را افزایش دهند. برای انجام این کار، آنها می‌توانند کسانی را در امور به کار گیرند که از آنها حمایت سیاسی به عمل آورند. [۱۴]

به این دلیل است که درآمدهای کلان بادآورده پروژهای نفت، گاز و مواد معدنی رفتار دولت را تغییر داده و به ایجاد آسیب برای رشد و توسعه انجامیده است. جلب (۱۹۸۶)، آوتی (۱۹۹۰)، راس (۱۹۹۹، ۲۰۰۱)، جنسن و وانتکون^۵، کلیور و هافلر (۲۰۰۵)،

1 Le Billon (2001)

2 Collier and Hoeffler (2004)

3 Baland and Fronkois (2000)

4 Robinson et al. (2006)

5 Jensen and Wantchekon (2004)

هادلر^۱، بر رابطه منفی بین فزونی منابع و پایداری و کیفیت سیستم سیاسی تمرکز کرده‌اند. همچنین آوتی در این رابطه اشاره کرده که "فزونی منابع طبیعی تغییرات سیاسی را به تأخیر می‌اندازد." [۱۵] توماس فریدمن^۲ هم معتقد است که "قیمت نفت و سرعت آزادی همیشه در کشورهای دارای منابع نفتی در جهات مختلفی حرکت کرده‌اند." [۱۶]

بنابراین، فزونی منابع، گروه‌های سیاسی را تحت فشار قرار می‌دهد و تأمین مالی عمومی غیرشفاف را رواج می‌دهد. علاوه بر این، فساد در بین نخبگان و بوروکراسی شایع می‌شود. علاوه بر موضوع اشتغال در بخش عمومی، سیاستمداران ممکن است در پروژه‌های که بازده سیاسی و نه اقتصادی دارند سرمایه‌گذاری کنند. [۱۷] هر دو نوع فعالیت ممکن است به افزایش در مخارج عمومی و ناکارایی بیانجامد و این فعالیت‌ها ساختار و ترکیب بودجه عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مقامات دولتی، برخی سرمایه‌گذاری‌های عمومی پتانسیل تخصیص رانت بالاتری نسبت به سایرین دارد. از آن جا که این سرمایه‌گذاری‌ها ناکارا هستند، رشد اقتصادی کند می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهایی که بدنه دولتی به شهروندان پاسخگو است سخت‌تر انجام می‌شود. بنابراین سرمایه‌گذاری عمومی از این دست، عموماً در کشورهایی که در آنها دولت‌ها یا کنترل رفتار دولت ضعیف‌تر است بیشتر دیده می‌شود. [۱۸] در همین رابطه، گروه دیگری به این بحث می‌پردازند که مسئولان کشورهای دارای منابع (معمولاً سیاستمداران یا بوروکرات‌ها) از ثروت منابع طبیعی نفع شخصی می‌برند. آنها در فعالیت‌های رانت‌جویانه و فساد سیاسی و تجاری وارد شده و بنابراین فرصت‌هایی را که دارا بودن منابع طبیعی می‌توانست برای کشورهاشان به ارمغان آورد می‌ربایند. [۱۹]

از دیگر مصادیق حمایت می‌توان بر شیوه تصمیم‌گیری دولت‌ها در کشورهای دارای منابع طبیعی اشاره نمود. ادبیات موضوع قابل توجهی بر روی اثر منفی درآمد بادآورده بر روی تصمیم‌گیری دولت‌ها وجود دارد و عوامل متعددی این فرآیند را توضیح می‌دهند:

اول: توسعه نفت انتظارات را در بین جمعیت افزایش می‌دهد، بنابراین این وضعیت دولت را وادار می‌کند کاری انجام دهد که نمایانگر پاسخ سریع آن است. تصمیماتی که سریعاً اتخاذ می‌شوند اغلب مناسب نیستند. همچنین هزینه کردن درآمدها به طور سریع معمولاً منجر به انحراف مسیر اقتصاد می‌شود زیرا فرصت کمی برای اقتصاد وجود دارد تا به صورت طبیعی خود را تطبیق دهد. دوم، داشتن پول بیشتر معمولاً فرآیندهای طبیعی کار را تضعیف می‌کند. بنابراین، اهمیت تصمیم‌گیری صحیح کاهش می‌یابد و بدترین وضعیت به زمانی بازمی‌گردد که دولت مخارج سرمایه‌ای را بدون توجه به اثر برگرداننده آن^۳، مخارج انجام می‌دهد. سوم، از آن جا که در ابتدا، درآمد جمع شده در دست دولت قرار می‌گیرد، تصمیم‌گیری راجع به این درآمد در دست‌های کمتری نسبت به پول‌های محصول روستائیان که در دست بنگاه‌های اقتصادی بیشتری قرار می‌گیرند قرار گرفته و بنابراین افراد کمتری در تصمیم‌گیر راجع به چگونگی هزینه کردن این پول‌ها حضور دارند.

۴-۴- تخریب نهادها

عاصم اوگلو^۴ و دیگران معتقدند در نهایت فزونی منابع ممکن است به نهادها آسیب برساند که منجر به جلوگیری از رشد اقتصادی می‌شود. کارل^۵ معتقد است که به عنوان نمونه، رانت نهادهای اجتماعی و سیاسی یک کشور را به صورت رانتیر درمی‌آورد. این موضوع که نهادها ممکن است با دسترسی به منابع تحت تأثیر قرار گیرند توسط راس (۲۰۰۱) مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که در چندین کشور آسیای جنوب شرقی، افزایش تولید الوار به تخریب نهادها توسط سیاستمداران برای دستیابی به نفت انجامیده است. راس (۲۰۰۱) همچنین نشان داد که دسترسی به منابع دموکراسی را تخریب می‌کند. همان‌طور که پیش از این بحث شد، دسترسی به منابع طبیعی امکان حمایت را فراهم می‌کند که در جای خود به رقابت، موشکافی و تعقیب قانونی کمتر

1 Hodler (2006)
2 Freidman (2006)
3 Recurrent
4 Acemoglu et al. (2005)
5 Karl (1997)

می‌انجامد و بنابراین دموکراسی را در جامعه با چالش مواجه می‌سازد. مکانیسم‌های رانت‌جویی و حمایت هر دو نشان می‌دهند که نفرین منابع به نهادها مشروط است؛ یعنی کشورهایی که نهادهای ضعیف‌تری دارند بیشتر از نفرین منابع آسیب می‌بینند. این موضوع از جنبه تخریب نهادی که می‌گوید منابع نهادها را تخریب می‌کنند متفاوت است. تخریب نهادهای کلیدی با جنبه رانت‌جویی و حمایت متفاوت است، در رانت‌جویی تأکید بر نهادهایی است که کارآفرینان را از فعالیت رانت‌جویی بیرون می‌کشند و در حمایت، تأکید بر نهادهایی که سیاستمداران را پاسخگو می‌کند. [۲۰]

۴-۵- درآمد پرنوسان

در ادبیات، نوسان درآمد یکی از علل نفرین منابع ذکر می‌شود (اوتی ۱۹۹۸، میکسل ۱۹۹۷). بحث اصلی این است که درآمد حاصل از منابع بسیار متغیر است. میکسل (۱۹۹۷) دریافته بود که بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲، کشورهایی با سهم صادرات اولیه بالا دچار نوسان شرایط مبادلاتی به میزان دو تا سه برابر کشورهای صنعتی در دوره مشابه شده‌اند. این نوسان دنبال کردن یک سیاست مالی محتاطانه را مشکل می‌سازد. همچنین این نگرانی وجود دارد که درآمد بادآورده پرنوسان صادرات، به جای سرمایه‌گذاری، صرف مصرف شود. با این وجود، برخی شواهد تجربی این فرضیه را با شک مواجه می‌کنند. از آن جمله می‌توان به فرضیه درآمد دائمی اشاره کرد. فرضیه درآمد دائمی می‌گوید که دریافتی بادآورده با احتمال بیشتری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود تا مصرف.

نتیجه آشکار این بخش آن است که هیچ توضیح یکتایی راجع به این که چه چیز به جای نفرین، نعمت منابع را ایجاد می‌کند وجود ندارد. علاوه بر این، وجه دیگری از این تحقیق به تمایز گذاشتن بین سیاست اقتصاد کلانی که ممکن است شرایط را بهتر یا بدتر کند برمی‌گردد و این که اصلاً چرا برخی سیاست‌های خاص انتخاب شده‌اند. بنابراین در این تحقیق، مسئله فقط چگونگی مکانیسم‌های پنج‌گانه شکل‌گیری نفرین منابع نیست بلکه چرایی ایجاد فضا برای تحقق آن مکانیسم‌ها هم هست. نبود شفافیت در زمینه مکانیسم‌های انتقال خود چالش به حساب می‌آید، زیرا اگر علت نفرین منابع شناخته نشود، درمان آن نیز به سختی انجام خواهد شد. در نهایت راه‌هایی نیز برای جلوگیری از دچار شدن به نفرین منابع و مدیریت کارآمد درآمدهای نفتی نیز پیش‌بینی شده است از جمله، توسعه ندادن منابع طبیعی، متنوع‌سازی اقتصاد و حرکت از بخش‌های نفت و گاز و معادن به سوی سایر بخش‌ها، عقیم‌سازی درآمد ورودی، بهره‌گیری از صندوق‌های تثبیتی و نفتی و در نهایت بازبینی سیاست‌های سرمایه‌گذاری. در ادامه به بررسی صندوق‌های منابع طبیعی به عنوان یکی از انواع نهادهایی که می‌توانند در جلوگیری از بروز نفرین منابع نقش مثبتی داشته باشند پرداخته می‌شود.

۵- تجربه عملی صندوق‌های منابع طبیعی

موارد زیادی از صندوق‌های درآمد منابع طبیعی وجود دارد که خصوصیات آن از یک کشور به کشور دیگر متغیر است. مهم‌ترین ویژگی‌های یک صندوق می‌تواند در موارد زیر توصیف شود: هدف آن، منبع درآمدی آن، قوانین مربوط به ورود و خروج منابع به آن، ارتباط آن با بودجه، ساختار و نهادهای مسئول مدیریت عملیات آن و موارد استفاده از منابع آن. در نهایت اندازه یک صندوق از اهمیت زیادی برخوردار است. جدول شماره (۱) مهم‌ترین خصوصیات یک صندوق منابع طبیعی را ارائه می‌دهد که در کشورهای مختلف موارد متفاوتی به کار گرفته می‌شود.

جدول شماره (۱): خصوصیات صندوق‌های درآمد منابع طبیعی

هدف	تشبیت / پس انداز / هر دو / متنوع سازی اقتصاد / کاهش هزینه ها.
قوانین ورود و خروج منابع	قیمت مرجع / درآمد مرجع / حجم ثابت / احتیاطی /
ارتباط با بودجه	مورد استفاده در بودجه / استفاده بخشی از آن در بودجه / عدم استفاده در بودجه.
نهادهای عملیاتی	وزارت دارایی (خزانه داری) / بانک مرکزی / کمیته صادرات / نمایندگان مستقل.
چگونگی پاسخگویی	پاسخگویی افقی / پاسخگویی عمودی / هر دو / هیچ کدام.
چگونگی شفافیت	گزارش دهی (حسابرسی کامل) / جزئی (حسابرسی جزئی) / بدون گزارش دهی (حسابرسی).
مدیریت دارایی	درصد دارایی های سرمایه گذاری شده در سبد دارایی بین المللی / سطح ریسک سبد دارایی.
تخصیص منابع	تخصیص همه منابع / تخصیص بخشی از منابع / بدون تخصیص منابع.
هدف احتیاطی	کل / بخشی / هیچ.
اندازه	کل دارایی ها / نسبت دارایی (به تولید ناخالص دارایی، صادرات کل، درآمدهای دولت).

منبع: باگاتینی، ۲۰۱۱: ۱۸. [۲۱]

۵-۱- شاخص های مورد مقایسه

لازم به ذکر است که نویسندگان این تحقیق پس از بررسی تجربه کشورهای مختلف دارای صندوق های منابع طبیعی، چندین شاخص کلان اقتصادی (از جمله تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، شاخص تورم مصرف کننده، نرخ بیکاری، جمعیت ضریب جینی، صادرات نفت و صادرات کل، سرمایه گذاری، تراز حساب جاری) را جهت ارزیابی این صندوق ها شناسایی نمودند و اطلاعات مربوط به آنها را از منابع اطلاعاتی معتبر استخراج کردند. در نهایت با توجه به محدودیت زمانی و آماری، چهار شاخص رشد تولید ناخالص داخلی به همراه رشد درآمد سرانه، تورم، رشد واقعی درآمدهای نفتی در مقابل هزینه های واقعی دولت، وابستگی به صادرات نفتی به صورت کامل و با جزییات در تمامی این کشورها و با استفاده از نمودار^۱ تحلیل شده اند.

۵-۱-۱- نرخ تورم

در این بخش سه شاخص تعدیل تولید ناخالص داخلی^۲ و شاخص قیمت مصرف کننده^۳ در انتهای دوره و متوسط دوره به عنوان شاخص تورم معرفی شده و تغییرات آنها در کشورهای مورد نظر طی سه دهه مذکور بررسی شده است. برآوردهای اقتصادسنجی حاکی از آن است که صندوق های نفتی با کاهش نوسانات حجم پول و تورم همراه خواهد بود. بنابراین مهار نوسانات تورم در کشورهای مورد بررسی می تواند یک شاخص موفقیت عملکرد صندوق شناسایی شود. البته باید توجه داشت که مطالعات به سختی می توانند تأثیر صندوق های نفتی یا اثر نهادهای مناسب یا آثار سیاست های پولی و مالی را از هم تفکیک نمایند. صندوق های تشبیت از طریق اعمال محدودیت نقدینگی می توانند بر مخارج دولت مؤثر باشند. دیویس و دیگران (۲۰۰۱) در مطالعه خود اشاره به یک رابطه میان درآمدهای حاصل از منابع طبیعی و مخارج مالی در کشورهای دارای صندوق و فاقد صندوق شدند. آنان دریافتند که تنها در برخی کشورهای نفت خیزی که صندوق های تشبیت دارند، مخارج کمتری نسبت به کشورهای نفتی فاقد صندوق وجود دارد. آنها اظهار می دارند که در این کشورها ممکن است در استفاده از منابع محتاط عمل نمایند. [۲۲]

۵-۱-۲- نرخ ارز مؤثر

۱. جهت کسب اطلاع از نمودارها به بخش پیوست مقاله حاضر مراجعه نمایید.

2 GDP deflator

3 Consumer Price Index (CPI)

شاخص نرخ ارز واقعی به عنوان مهم‌ترین علامت بیماری هلندی معمولاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این گزارش، ما به علت آنکه نرخ ارز موثر با توجه به در نظر گرفتن سبد قیمتی کالاها، داده‌های بیشتری را در اختیار ما قرار می‌دهد، از شاخص نرخ ارز مؤثر استفاده کرده‌ایم. به طور کلی مخارج دولت بیشتر متشکل از هزینه در بخش‌های غیر قابل تجارت مانند ساختمان، خدمات و سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های حمایت شده می‌باشد. به علاوه مخارج پرسنلی بخش مهم دیگر است. تمام این مخارج، تقاضا برای کالاهای غیرقابل تجارت را افزایش می‌دهد و سپس به فشار رو به بالا بر نرخ ارز واقعی منجر می‌شود. به علاوه افزایش جذب داخلی در نتیجه سیاست بودجه انبساطی، تقاضای اضافی برای کالاهای غیر قابل تجارت را ایجاد می‌کند که به افزایش ارزش نرخ ارز واقعی منجر می‌شود. [۲۳]

۵-۱-۳- شاخص ثبات مالی

در ادبیات موضوع، تغییرات مخارج واقعی دولت در مقابل تغییرات درآمدهای واقعی نفت شاخص ثبات مالی معرفی شده است که هر چه نوسانات مخارج دولت در مقابل تغییرات درآمدهای نفتی (خصوصاً در زمان افزایش این درآمدها) کمتر باشد می‌توان بیان داشت از مکانیسم نفرین منابع دوری شده است. در این بخش مخارج دولت با استفاده از شاخص مصرف‌کننده در هر کشور واقعی شده است. در مورد درآمدهای نفتی، به این دلیل که آمار در دسترس به میلیارد دلار بوده با استفاده از شاخص مصرف‌کننده انتهایی دوره کشور آمریکا، داده‌های واقعی محاسبه شده است.

۵-۱-۴- شاخص وابستگی نفتی

جهت محاسبه وابستگی به درآمد نفتی شاخص‌های متعددی وجود دارد اما در این پژوهش با توجه به داده‌های در دسترس محققین، نسبت صادرات نفتی به صادرات کل هر کشور جهت ارزیابی وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی استفاده گردیده است. بر اساس مبانی نظری بررسی شده، بررسی شاخص‌های مذکور نمایانگر فعال شدن مکانیسم بیماری هلندی از بین مکانیسم‌های نفرین منابع و همچنین نمایانگر وضعیت کلی اقتصاد کشورهای مورد بررسی است. در جدول شماره (۲) بررسی شاخص‌های مذکور. در مهم‌ترین کشورهای دارنده صندوق منابع طبیعی آمده است. در ادامه به شش مورد از کشورهایی پرداخته شده است که تجربیاتی در صندوق‌های منابع طبیعی داشته‌اند. نروژ و الجزایر به عنوان نمونه‌های موفق، اکوادور و مکزیک به عنوان تجربیات نسبتاً موفق و روسیه و ونزوئلا به عنوان تجربیات ناموفق به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره (۲): بررسی مقایسه‌ای کشورهای دارای صندوق منابع طبیعی

نام کشور	سال تأسیس	ساز و کار ورود و خروج منابع	مدیریت صندوق	سطح شفافیت	تورم	نرخ ارز مؤثر	انضباط مالی دولت	وابستگی به نفت
نروژ	۱۹۹۰	- تمامی درآمدهای حاصل از نفت و سود سرمایه‌گذاری‌های صندوق - تمامی واریزها و برداشتها با اجازه پارلمان	بانک مرکزی و وزارت دارایی هیأت عامل توسط پادشاه منصوب و برای یک دوره چهار ساله فعالیت می‌نمایند.		نزولی و از سال ۱۹۹۰ همواره زیر پنج درصد	روندی یکنواخت را بدون فراز و فرود شدید پیموده است.	- کسری بودجه مشخص و محدود - رشد هزینه‌های دولت اندک (به طور متوسط ۳/۲ درصد طی سه دهه)	همواره زیر شش درصد
کویت	۱۹۶۰	- تثبیت: تمامی درآمدهای دولت - پس‌انداز: ۵۰ درصد از منابع صندوق ذخایر عمومی به علاوه ۱۰ درصد از کل درآمدهای دولت اعم از درآمدهای نفتی و غیرنفتی	سازمان سرمایه‌گذاری کویت که سازمانی دولتی است.		بین ۱۰ تا ۱۵ درصد با نوسانات بسیار شدید شاخص تعدیل تولید ناخالص داخلی	نرخ ارز مؤثر کاهش نیافته است.	رشد هزینه‌های دولت همواره زیر پنج درصد بوده است.	همواره بالای ۸۰ درصد (به جز سال ۱۹۹۱ که به ۴۰ درصد کاهش یافت)
شیلی	۱۹۸۵	برای هموار کردن آثار نوسانات قیمت مس بر اقتصاد			نرخ‌های تورم دو رقمی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به ۴/۵ و ۲/۹ درصد طی سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ کاهش یافته‌اند.	نرخ ارز مؤثر کاهش نیافته است.	محدود کردن رشد واقعی هزینه‌های دولت و سیاست‌های مالی محتاطانه به ۵/۳ درصد حفظ نمود که سبب ایجاد یک مازاد مالی برابر با ۲/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی گردید.	شیلی به طور موفقیت‌آمیزی وابستگی خود را به منابع حاصل از مس به وسیله متنوع‌سازی پایه صادراتی خود کاهش داد.
مکزیک	۲۰۰۰	۴۰ درصد مازاد درآمدهای نفتی بر اساس "قانون تعهد مالی" با توجه به قیمت مرجع مشخص شده وارد صندوق می‌شود.	بانک مرکزی		نزولی و از ۳۵ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۳/۹ درصد در سال ۲۰۱۰	کاهش شدید در نرخ ارز مؤثر	مخارج دولت طی سه دهه گذشته به طور متوسط ۳/۲ درصد رشد کرده است که البته با تأسیس صندوق تثبیت این وضع ادامه داشته است ولی نوسان مخارج دولت کمتر از درآمدهای نفتی بوده است	نزولی و از ۶۲ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۶ درصد در سال ۲۰۱۰ که البته با تشکیل صندوق تثبیت در سال ۲۰۰۰ نمی‌توان نظری داد.
روسیه	۲۰۰۴	مازاد درآمد نفت و گاز تا زمانی که موجودی صندوق به ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی برسد.		غیرشفاف. عملکرد سرمایه‌گذاری‌ها در جایی منتشر نمی‌شود.	همواره تورم دو رقمی داشته است ولی از سال تشکیل صندوق افزایش نیافته است.	افزایش نرخ ارز مؤثر	رشد مخارج دولت نوسانی بوده است. قوانین صندوق جهت تأمین مالی کسری بودجه به طور موقت تا سال ۲۰۱۵ به تعلیق درآمد.	از ۱۹/۲ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۴۵/۷ درصد در سال ۲۰۱۰
نیجریه	۱۹۸۶	زمانی که قیمت نفت بالاتر از قیمت مرجع قرار گیرد.	بانک مرکزی	در سطح قابل قبول. نتایج حساسی‌ها به اطلاع عموم می‌رسد.	در ۱۹۸۰ بین ۳۰ تا ۴۰ درصد که در ۲۰۰۶ به زیر ۱۰ درصد رسید و دوباره افزایش یافت.	کاهش شدید نرخ ارز مؤثر	رشد درآمد بیش از رشد مخارج	همواره ۸۰ درصد و بیشتر
الجزایر	۲۰۰۰	باقی‌مانده درآمد نفتی پس از تخصیص بودجه (منابع جهت تأمین مالی کسری بودجه) اگر دارایی صندوق به زیر ۱۰ میلیارد دلار برسد اجازه برداشت وجود ندارد.			نزولی و پس از سال ۲۰۰۰ همواره زیر ۱۰ درصد بوده است ولی شاخص تعدیل تولید ناخالص داخلی دو رقمی بوده است	عدم کاهش نرخ ارز مؤثر	رشد مخارج دولت همواره زیر ۲۵ درصد و کمتر از رشد درآمد نفت که از سال ۲۰۰۰ این روند ادامه یافته است.	از ۹۱ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۵۹ درصد در سال ۱۹۸۶ و افزایش به ۹۲ درصد در سال ۲۰۱۰

اکوادور	۲۰۰۰	۴۵ درصد درآمد نفتی				نرخ تورم که در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ بیش از ۹۰ درصد بود از سال ۲۰۰۳ تک رقمی شده است.	عدم کاهش نرخ ارز مؤثر	نوسان مخارج دولت بیشتر از رشد درآمد نفت	بین ۲۰ تا ۶۵ درصد در نوسان
لیبی	۱۹۹۵	مازاد درآمدهای نفت و گاز با توجه به قیمت مرجع - برداشت‌ها در جهت تأمین مالی کسری بودجه و هزینه‌های فرابودجه- ای	کمیته سرمایه‌گذاری لیبی			تورم بسیار پرنوسان بین ۳۱- درصد تا ۳۶ درصد	کاهش نرخ ارز مؤثر و نمایان شدن آشکارترین علامت بیماری هلندی.	نوسان مخارج دولت ۱۳/۵ درصد و نوسان درآمد نفت ۲/۹ درصد	وابستگی همواره بیش از ۸۰ درصد و در سال‌هایی بیش از ۹۰ درصد
آذربایجان	۱۹۹۹	تمامی درآمد نفت بخش جهت تأمین کسری بودجه و بخش دیگر جهت پروژه‌های آب و خط لوله‌ها و برنامه‌های کاهش فقر	زیر نظر رییس جمهور			تورم از ۱۹۹۸ به طور پیوسته وجود داشته و در ۲۰۰۶-۲۰۰۹ دو رقمی شده است.	رشد مخارج دولت کمتر از رشد درآمد نفت بوده ولی مخارج دولت نوسان شدید داشته که از سال ۲۰۰۸ کنترل شده است.	از ۳۲ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۶۹/۸ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۸۸/۳ درصد در سال ۲۰۱۰	
قزاقستان	۲۰۰۰	درآمدهای بالاتر از قیمت مرجع عدم مصرف منابع در هزینه‌های جاری	زیر نظر رییس جمهور و نخست وزیر	نتایج حسابرسی سالانه در آوریل منتشر می‌شود.		پس از ابر تورم ۹۵-۱۹۹۲ تورم بین ۱۰ تا ۱۵ درصد در نوسان بوده است.	رشد مخارج دولت کمتر از رشد درآمد نفت بوده است.	از ۱۵ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۵۸/۸ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید.	
ونزوئلا	۱۹۹۸	۱۳ درصد مازاد درآمدهای نفتی با توجه به قیمت‌های مرجع منابع صندوق جهت تزییق نقدینگی شرکت‌های دولتی	از سال ۱۹۹۹، رییس جمهور جهت برداشت از منابع صندوق اختیار دارد.			همواره اقتصادی تورمی و بین پنج کشور با اقتصاد تورمی جهان	کاهش و سپس افزایشی پرنوسان	نوسان درآمدهای نفتی و مخارج دولت هم جهت ولی رشد مخارج کمتر از رشد درآمد نفت است.	وابستگی همواره بیش از ۷۰ درصد بوده است.
عمان	۱۹۹۰	در ابتدا مقرر شد ۱۵ درصد درآمدهای نفتی به صندوق منتقل شود که به ۵ درصد کاهش یافت. استراتژی خاصی در جهت سرمایه‌گذاری وجود نداشته است.				طی سه دهه گذشته تورم زیر ۱۰ درصد بوده است ولی شاخص تعدیل تولید ناخالص داخلی نوسان شدیدی داشته است.	نرخ ارز مؤثر روندی یکنواخت را بدون کاهش یا افزایش شدید پیموده است.	رشد مخارج دولت به طور متوسط کمتر از رشد درآمدهای نفتی	نزولی و از ۹۵/۸ درصد در ۱۹۸۰ به ۶۲/۳ درصد در ۲۰۱۰
گینه نو	۱۹۷۴	مازاد درآمدهای حاصل از منابع معدنی استراتژی خاصی برای سرمایه‌گذاری وجوه این صندوق وجود نداشته است.		در ۱۹۹۹ به دلیل برداشت‌های بی رویه خالی از منابع و منحل شد.		اقتصادی تورمی و نوسان تورم بین ۵ تا ۱۵ درصد بوده است.	کاهش دوره‌ای و پس از آن افزایش یافته است.	رشد مخارج دولت همواره زیر ۲۰ درصد و کمتر از رشد درآمدهای نفتی بوده است.	وابستگی بین ۱۲ تا ۳۲ درصد در نوسان بوده است.

منبع: یافته‌های محققین.

در جدول شماره (۲) چهار شاخص تورم، نرخ ارز مؤثر، انضباط مالی دولت و وابستگی به نفت مورد بررسی قرار گرفته است و عملکرد هر کشور در بین این شاخص‌ها ارائه شده است.

همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، از بین ۱۴ کشور مورد بررسی در جدول شماره (۲)، کشورهای نروژ، شیلی، الجزایر و عمان^۱ با دارا بودن ۴ و ۳ شاخص با عملکرد مثبت نسبت به سایر کشورها، وضعیت بهتری را از خود نمایش داده‌اند و به این ترتیب می‌توان اشاره کرد که با در نظر گرفتن محدودیت‌های این مقاله، صندوق آنها نیز عملکرد خوبی داشته است. همچنین کشورهای کویت، مکزیک، اکوادور و گینه نو با نمایش عملکرد مثبت در دو شاخص، امتیاز متوسطی را از آن خود کرده‌اند و این در حالی است که صندوق تثبیت کشورهای روسیه، نیجریه، لیبی، آذربایجان، قزاقستان و ونزوئلا با دارا بودن صفر یا یک امتیاز، عملکرد مثبتی را از خود نشان نداده‌اند.

حال با توجه به عملکرد کشورهای مذکور در هر یک از شاخص‌های چهارگانه، جدول شماره (۳) ارائه شده است که امتیازات کشورها را در این رابطه ارائه می‌دهد. با توجه به توضیحی که در بالا ارائه گردید، وضعیت عملکرد (خوب، متوسط، ضعیف) صندوق این کشورها بیان شده است. در پیوست، نمودارهای مربوط به شش کشور نروژ و الجزایر (به عنوان نمونه‌های موفق)، مکزیک و اکوادور (به عنوان نمونه‌های متوسط) و روسیه و ونزوئلا (به عنوان نمونه‌های ناموفق) آمده است.

جدول شماره (۳): بررسی عملکرد کشورها از منظر شاخص‌های اقتصادی

نام کشور	تورم	نرخ ارز مؤثر	انضباط مالی دولت	وابستگی به نفت	امتیاز کسب شده	رتبه کسب شده مبنی بر امتیازات مثبت
نروژ	مثبت	مثبت	مثبت	مثبت	۴	خوب
کویت	متوسط	مثبت	مثبت	منفی	۲	متوسط
شیلی	مثبت	مثبت	مثبت	مثبت	۴	خوب
مکزیک	مثبت	منفی	متوسط	مثبت	۲	متوسط
روسیه	منفی	متوسط	منفی	منفی	۰	ضعیف
نیجریه	متوسط	منفی	منفی	منفی	۰	ضعیف
الجزایر	مثبت	مثبت	مثبت	منفی	۳	خوب
اکوادور	مثبت	مثبت	منفی	منفی	۲	متوسط
لیبی	منفی	منفی	منفی	منفی	۰	ضعیف
آذربایجان	منفی	—	مثبت	منفی	۱	ضعیف
قزاقستان	منفی	—	مثبت	منفی	۱	ضعیف
ونزوئلا	منفی	متوسط	متوسط	منفی	۰	ضعیف
عمان	مثبت	مثبت	مثبت	متوسط	۳	خوب
گینه نو	منفی	مثبت	مثبت	متوسط	۲	متوسط

منبع: بررسی محققین.

۱. قابل ذکر است که این وضعیت عمان را نمی‌توان مانند سایر کشورها، چندان به عملکرد صندوق آن نسبت داد زیرا که تنها ۵ درصد درآمدهای نفتی این کشور در صندوق آن انباشته می‌شده است.

۶- راهکارهایی برای صندوق توسعه ملی

در ادامه با توجه به تجربه کشورهای مورد بررسی، به راهکارهایی برای موفقیت صندوق توسعه ملی در جهت جلوگیری از مشکلات مذکور پرداخته می‌شود.

۶-۱- هدف تثبیت و پس‌انداز

برای اقتصادهایی که درآمدهای نفتی سهم عمده‌ای از کل درآمدهای دولت را دارد، نوسانات قیمت‌های جهانی نفت و نااطمینانی‌ها درباره سطوح تولید نفت در آینده به این مسأله می‌انجامد که بودجه‌ریزان با احتمال نوسان زیادی در تأمین مالی بودجه مواجه شوند. در این مورد سیاست‌گذاران در برخی کشورها صندوق نفتی را جهت تثبیت درآمدهای بودجه به کار می‌گیرند. اندازه صندوق به نوسانات انتظاری درآمدها بستگی دارد. یک صندوق بسیار کوچک برای پوشش نوسانات درآمدی در زمان کاهش قیمت نفت ناکافی است و یک صندوق بسیار بزرگ در حقیقت یک صندوق پس‌انداز خواهد بود. شبیه‌سازی مسیر قیمت نفت می‌تواند در یافتن اندازه بهینه یک صندوق تثبیت راهگشا باشد. [۲۴]

۶-۲- وابستگی به نفت

تجربه صندوق‌ها در کشورهایی که با وابستگی بیشتر به نفت یا سایر منابع تمام‌شدنی دارند و یا کشورهای که سابقه سیاست‌های اقتصاد کلان آینده‌نگر ندارند، بسیار متفاوت‌تر است. آن چنان که مثال‌های زیر نشان می‌دهد:

- صندوق تثبیت منابع معدنی پاپواگینه نو برای تثبیت درآمد و مخارج بودجه‌ای ضعیف عمل کرد و اخیراً دولت آن را بست.
 - صندوق تثبیت اقتصاد کلان ونزوئلا که در اواخر سال ۱۹۹۸ تأسیس شد، دستخوش تغییرات قانونی قرار گرفته و مانع اجرای یک سیاست مالی انبساطی بر پایه افزایش قیمت‌های نفت در سال ۲۰۰۰ نشد. دولت فقط از طریق استقراض داخلی پرهزینه قادر به پرداخت‌های قانونی به صندوق در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ شد.
- با توجه به این تجربیات و وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، باید وابستگی به درآمدهای نفتی کاهش یابد و مخارج دولت نیز افزایش نیابد.

۶-۳- نظارت بر صندوق

در نروژ به دلیل مجازی بودن صندوق، قوانین خاص برای دسترسی به منابع و مصارف آن وجود ندارد اما به هر حال پارلمان نروژ در تصمیمات خود هر دو بعد صندوق، یعنی منابع و مصارف صندوق را مد نظر قرار می‌دهد که این امر باعث تعدیل نسبی در پرداخت از صندوق می‌شود. دولت بر اساس معیارهای تجاری و اقتصادی، استراتژی‌های ویژه‌ای برای انتخاب دارایی‌های سرمایه‌ای و انتخاب سبدهای مالی که صندوق در آنها سرمایه‌گذاری می‌کند، اتخاذ می‌نماید. میزان واریز درآمدهای نفتی به صندوق نفتی نروژ همه ساله توسط پارلمان این کشور و پس از تأمین کسری بودجه غیرنفتی دولت تعیین می‌شود.

۶-۴- شفافیت عملکرد صندوق

نروژ به عنوان موفق‌ترین تجربه، راهبرد بسیار شفافی را در صندوق خود دنبال می‌کند که می‌تواند توسط سایر کشورها الگو قرار گیرد. وزارت دارایی این کشور در چارچوب مدیریت صندوق، به طور منظم گزارش‌هایی را در مورد اهداف، راهبرد سرمایه‌گذاری و

پیامدهای عملکرد آن و نیز دستورالعمل‌های رفتاری مربوط به آن ارائه می‌کند. بانک مرکزی نیز به عنوان مدیر اجرایی گزارش‌هایی را در زمینه مدیریت آن از لحاظ عملکرد و فهرست سالانه کلیه سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به صورت فصلی و سالیانه منتشر می‌کند. همچنین اطلاعات تشریحی مربوط به رأی‌گیری‌های صورت گرفته در جلسات سهامداران منتشر می‌شود. منابع صندوق با توجه به راهبردهای وزارت دارایی در خارج از نروژ سرمایه‌گذاری می‌شوند و بانک مرکزی مدیریت فعال منابع را بر عهده دارد. به منظور مدیریت این صندوق شخصیت حقوقی مستقلی تعریف نشده است، بلکه مدیریت این نهاد به صورت تلفیق با دولت صورت می‌گیرد و بر اساس قانون، وزارت دارایی مدیریت آن را بر عهده دارد. صندوق زیر نظر هیئتی مرکب از نه عضو که توسط پادشاه برای یک دوره چهار ساله منصوب می‌شوند، اداره می‌شود. این هیأت موظف است به نحوی برنامه‌ریزی و نظارت کند که سرمایه صندوق در چارچوب اهداف مورد نظر و طی زمان در بالاترین نرخ بازگشت ممکن و در عین حال با ریسک مناسب و با حفظ ارزش آن در طول زمان سرمایه‌گذاری شود. [۲۵]

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی آثار منفی ورود درآمدهای حاصل از منابع طبیعی به اقتصاد پرداخته شد. بررسی تجربیات کشورهای منتخب در زمینه تأسیس این گونه صندوق‌ها نشان می‌دهد که این صندوق‌ها در صورتی می‌توانند موفق به انتقال منابع ارزی و ثروت ملی به نسل‌های آتی گردند که اولاً، وابستگی به منابع ارزی نفتی اندک بود و یا کاهش یابد. به عبارت دیگر، سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدها در منابع تأمین اعتبار بودجه روند نزولی داشته باشند که این امر مستلزم توسعه سایر ظرفیت‌های درآمدی دولت همچون پایه مالیاتی است. ثانیاً، دولت‌های متبوع از یک نظم مالی برخوردار بوده و با کنترل هزینه‌های جاری در مواقع افزایش قیمت نفت از آثار سوء تزریق درآمدهای نفتی بر اقتصاد جلوگیری نمایند. ثالثاً عملیات اجرایی این صندوق‌ها توانایی مدیریت مناسب پرتفوی منابع مالی را داشته باشد؛ به طوری که با سرمایه‌گذاری مناسب منابع مالی بتواند قدرت خرید این صندوق‌ها را در بازارهای جهانی حفظ نماید. رابعاً، شفافیت و نظارت کافی بر پرداخت و بازپرداخت منابع صورت پذیرد که مورد اخیر یعنی نظارت بر بازپرداخت منظم منابع به ویژه با گذشت زمان از افتتاح حساب و اعطای تسهیلات ارزی از محل آن به ویژه به بخش غیردولتی اهمیت بیشتری می‌یابد.

وجود صندوق‌های مدیریت درآمد اگر چه نابه‌سامانی‌ها را تا حدودی تخفیف داده اما مهم‌ترین نکته قابل توجه آن است که صندوق‌های مدیریت درآمدهای نفتی به هیچ وجه جایگزین سیاست‌های مالی و مدیریت اقتصادی سالم در کشورها نمی‌گردد و تنها سبب می‌شوند که ترکیب سیاست‌ها با وجود این صندوق‌ها استحکام بیشتری پیدا کند. تجربه تاریخی اغلب کشورهای در حال توسعه نفت‌خیز نشان می‌دهد که برخورد منفعلانه با این پدیده و عدم مدیریت هوشمندانه آن می‌تواند آسیب‌های اقتصادی بسیاری را موجب گردد.

مسئله اساسی تدوین و طراحی یک صندوق یا هر سیستم ذخیره ارزش دیگری است که در ساختار سیاسی-اقتصادی کشور، در جایگاه مناسبی تعریف شود، مدیریت حاکم بر آن به صورت قوی طراحی گردد، از شفافیت کافی جهت نظارت برخوردار باشد؛ استراتژی‌های مربوط به نحوه نگهداری دارایی‌های صندوق و استراتژی‌های مربوط به هزینه منابع صندوق به صورت کارا و بهینه طراحی گردد و در نهایت و مهم‌تر از همه این که رابطه میان دولت و صندوق به نحو مناسبی طراحی گردیده و صندوق از استقلال کافی برخوردار باشد.

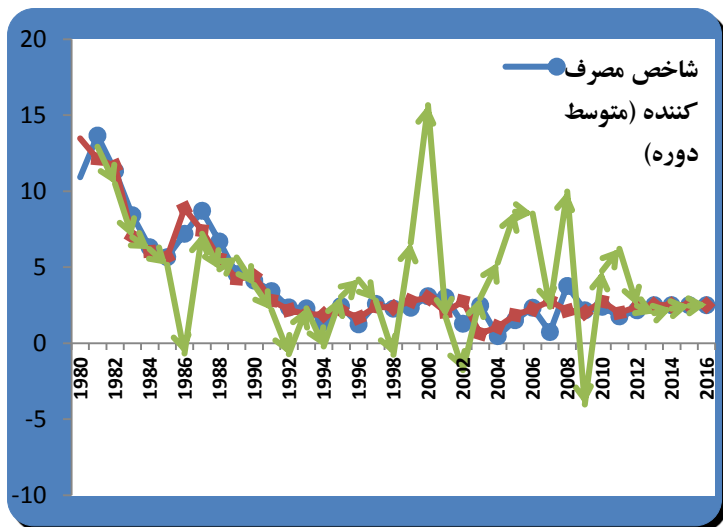
۸- مراجع

- [1] Stevense, P.,(2003), Resource impact-Curse or blessing, A literature review, Dundee University, Center for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy, UK.
- [2] Brunnschweiler, C.N.(2008), Cursing the blessings? Natural resource abundance, institutions, and economic growth. World development, Vol. 36, No. 3
- [3] Stevens, P.,Dietsche, E.,(2008), Resource curse: an analysis of causes, experiences and possible ways forward, Energy Policy, 36, 56-65
- [4] Stevense, P.,(2003), Resource impact-Curse or blessing, A literature review, Dundee University, Center for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy, UK.
- [5] Mehrara, M. (2009).reconsidering the resource curse in oil-exporting countries, Energy policy 37.
- [6] Stevens, P.,Dietsche, E.,(2008), Resource curse: an analysis of causes, experiences and possible ways forward, Energy Policy, 36, 56-65
- [7] Oxfam, Extractive Sectors and the Poor, Boston MA, 02111,-1206 USA, P 3.
- [8] The curse of natural resources: an empirical investigation of U.S. counties
- [9] James, A, Aadland, D.(2011) the curse of natural resources: and empirical investigation of U.S. countries, resource and energy economics 33.
- [10] Kolstad, I. Wiig, A. Williams, A.,(2009), Mission improbable: Does petroleum-related aid address the resource curse?, Energy Policy, 37 954-965
- [11] Kolstad, I. Wiig, A. Williams, A.,(2009), Mission improbable: Does petroleum-related aid address the resource curse?, Energy Policy, 37 954-965
- [12] Kolstad, I. Wiig, A. Williams, A.,(2009), Mission improbable: Does petroleum-related aid address the resource curse?, Energy Policy, 37 954-965
- [13] Brunnschweiler, C.N.(2008), Cursing the blessings? Natural resource abundance, institutions, and economic growth. World development, Vol. 36, No. 3
- [14] Brunnschweiler, C.N.(2008), Cursing the blessings? Natural resource abundance, institutions, and economic growth. World development, Vol. 36, No. 3
- [15] Stevense, P.,(2003), Resource impact-Curse or blessing, A literature review, Dundee University, Center for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy, UK.
- [16] Stevens, P.,Dietsche, E.,(2008), Resource curse: an analysis of causes, experiences and possible ways forward, Energy Policy, 36, 56-65
- [17] Stevense, P.,(2003), Resource impact-Curse or blessing, A literature review, Dundee University, Center for Energy, Petroleum and Mineral Law and Policy, UK.
- [18] Kolstad, I. Wiig, A. Williams, A.,(2009), Mission improbable: Does petroleum-related aid address the resource curse?, Energy Policy, 37 954-965
- [19] Stevens, P.,Dietsche, E.,(2008), Resource curse: an analysis of causes, experiences and possible ways forward, Energy Policy, 36, 56-65
- [20] Kolstad, I. Wiig, A. Williams, A.,(2009), Mission improbable: Does petroleum-related aid address the resource curse?, Energy Policy, 37 954-965
- [21] Bagattini, Gustavo Yudi The Political Economy of Stabilisation. Funds: Measuring their Success in Resource-Dependent Countries, p 18.
- [22] Davis, J.; Ossowski, R.; Daniel, J. and Barnett, S. (2001a) 'Oil Funds: Problems Posing as Solutions?', Finance and Development, p 38.4.
- [۲۳] جوادی، شاهین و دیگران، مدیریت اقتصاد کلان در کشورهای صادرکننده نفت، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه بهار ۱۳۸۸، ص ۲۲۸.
- [24] Bacon, Robert, Silvana Tordo (2006), Experiences with Oil Funds: Institutional and Financial Aspects, Energy and Water Department, The World Bank Group, Report 321/06, June 2006, p 129.
- [۲۵] حاجی میرزایی، سید محمدعلی، ضرورت تأسیس صندوق نفت در ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۸۶، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ص ۱۰.

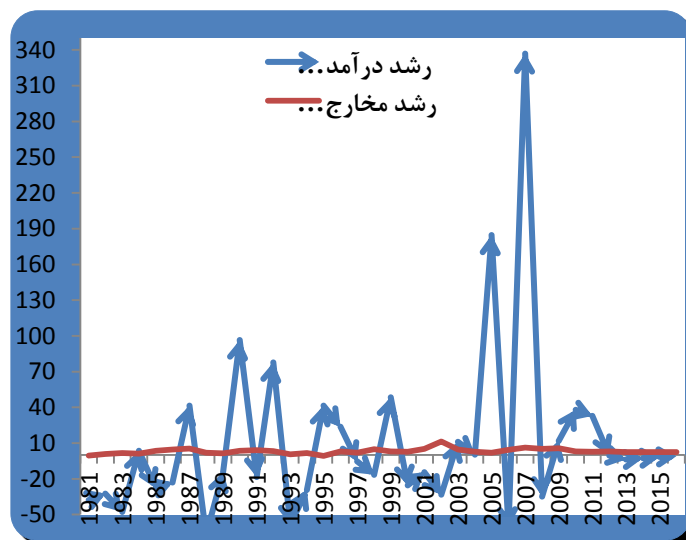


پیوست: نمودارها

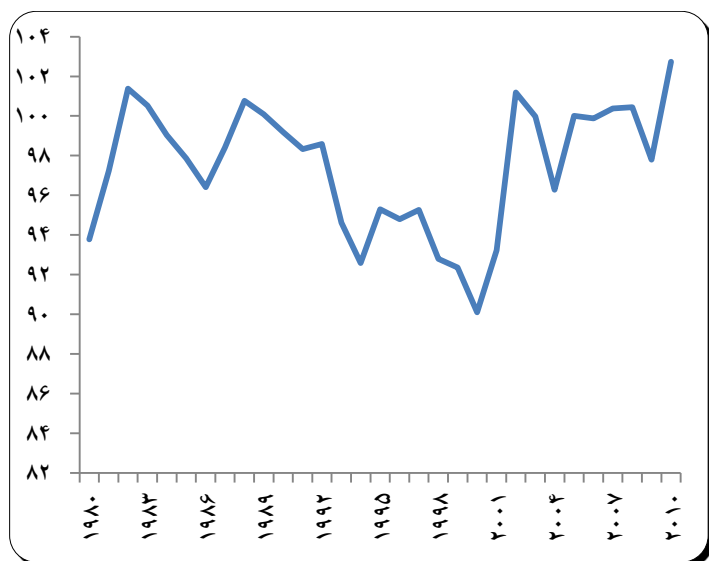
الف) نروژ (سال شکل گیری صندوق: ۱۹۹۰)



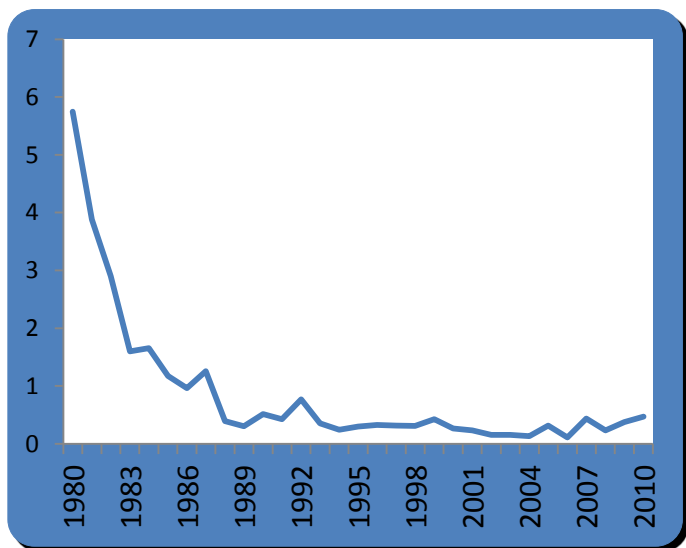
نمودار (۲): شاخص مصرف کننده و تعدیل تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ در نروژ



نمودار (۱): رشد درآمدهای نفتی و رشد مخارج دولت طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ در نروژ (درصد)

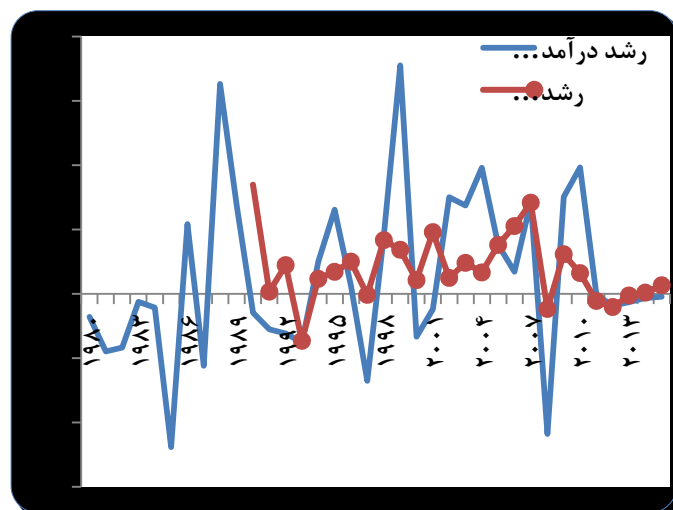
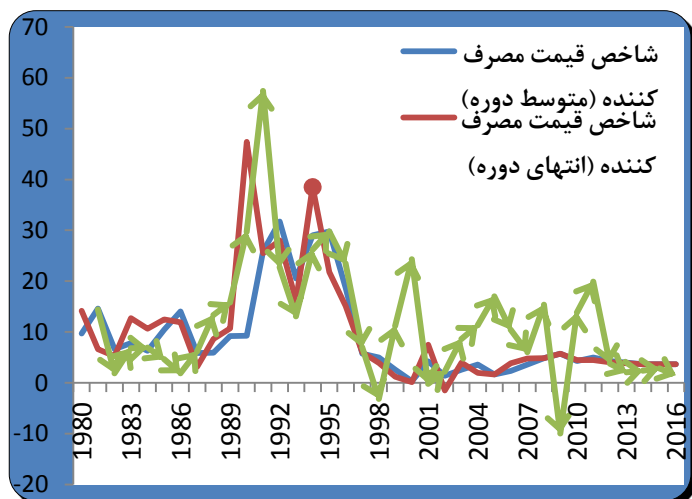


نمودار (۴): شاخص نرخ ارز مؤثر نروژ بین سالهای ۲۰۱۰-۱۹۸۰



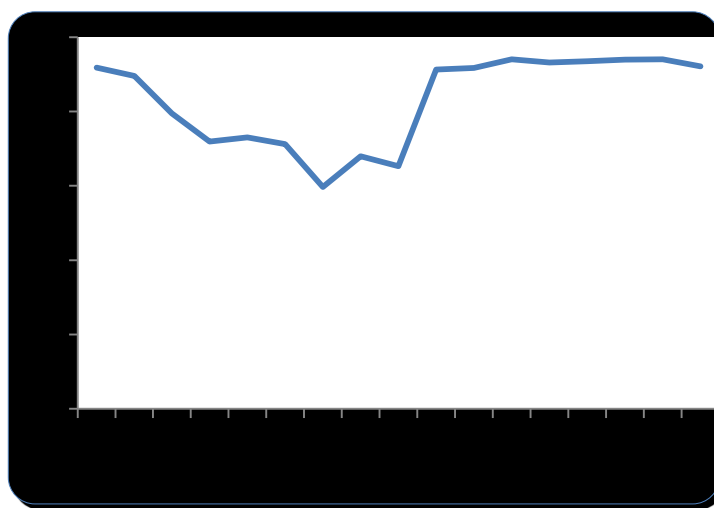
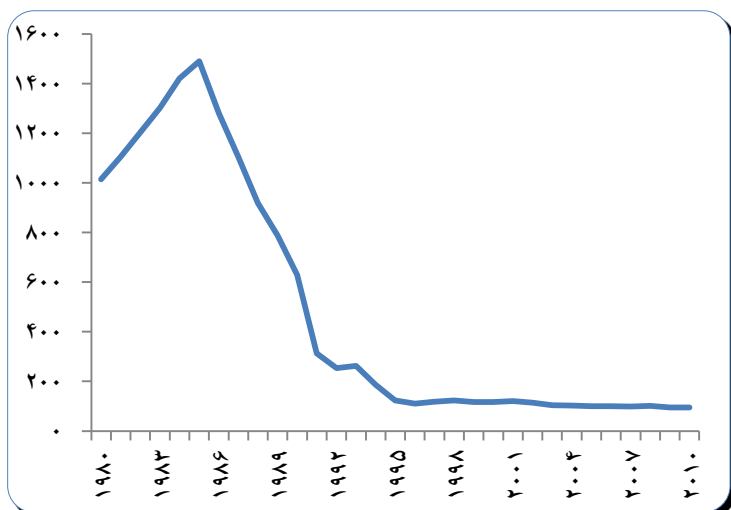
نمودار (۳): شاخص وابستگی به درآمد نفتی در نروژ طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۶ (درصد)

ب) الجزایر (سال تأسیس صندوق: ۲۰۰۰)



نمودار (۴): شاخص مصرف کننده و تعدیل تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۲ در الجزایر

نمودار (۵): رشد درآمدهای نفتی و رشد مخارج دولت طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۶ در الجزایر (درصد)

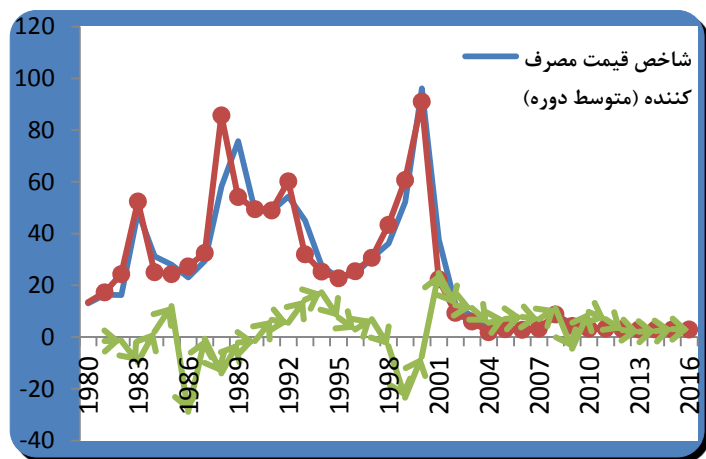


نمودار (۸): نرخ ارز مؤثر الجزایر بین سالهای ۱۹۸۰-۲۰۱۰

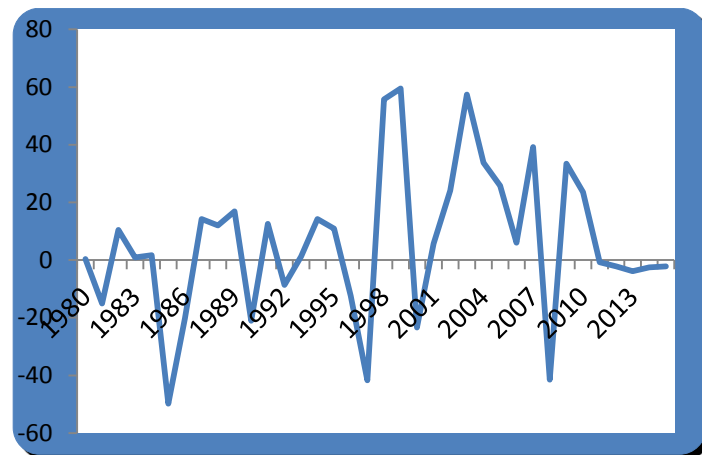
نمودار (۷): شاخص وابستگی به درآمد نفتی در الجزایر طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۹ (درصد)



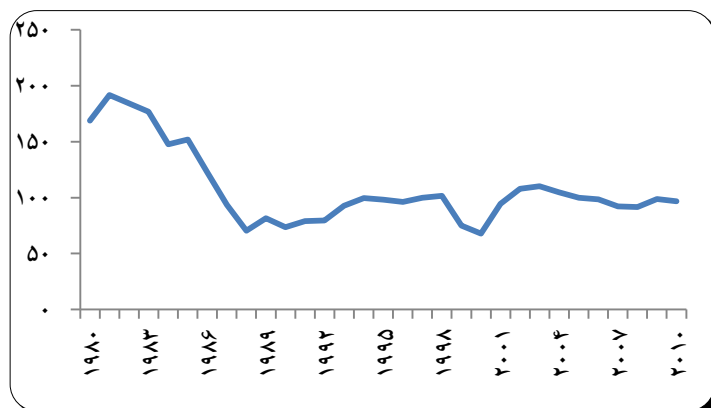
ج) اکوادور (سال تأسیس صندوق: ۲۰۰۰)



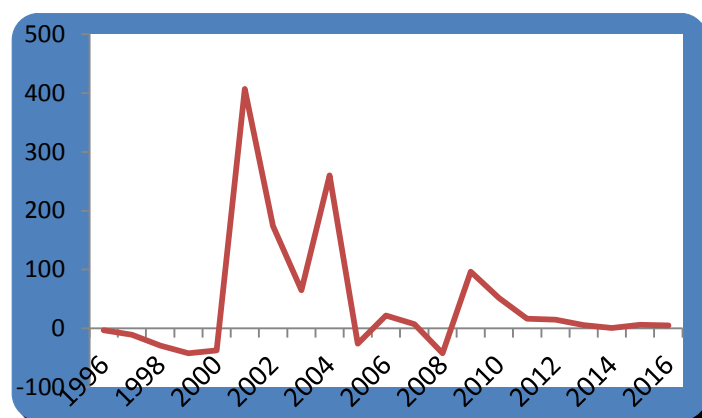
نمودار (۱۰): شاخص مصرف‌کننده و تعدیل تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ در اکوادور



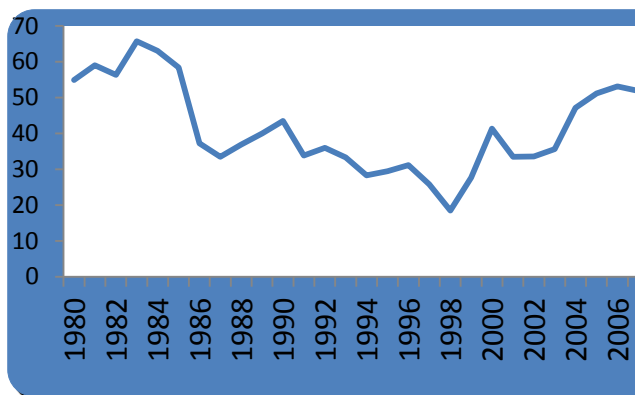
نمودار (۹): رشد واقعی درآمدهای نفتی طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ در اکوادور (درصد)



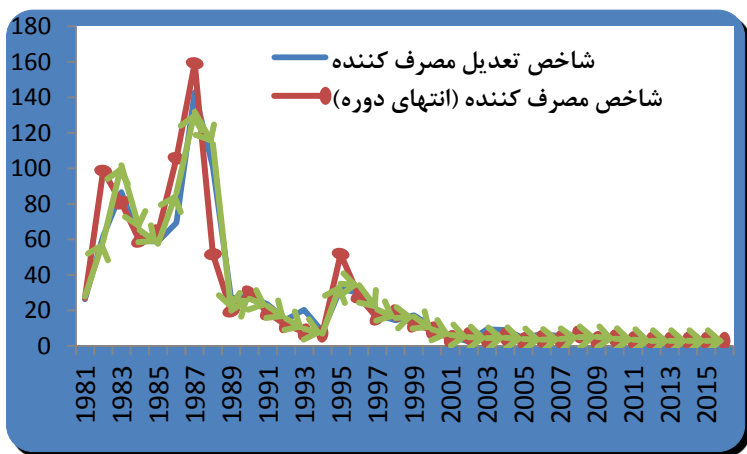
نمودار (۱۲): شاخص نرخ ارز مؤثر اکوادور بین سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۸۰



نمودار (۱۱): رشد واقعی مخارج دولت طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ در اکوادور (درصد)

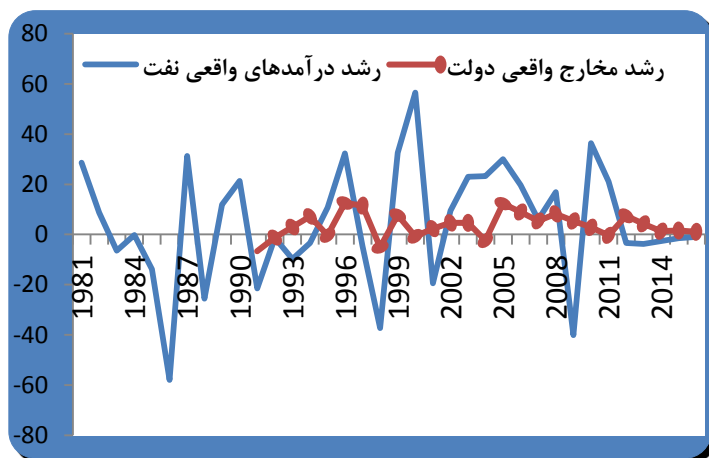


نمودار (۱۳): شاخص وابستگی به درآمد نفتی در اکوادور طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۹ (درصد)
(د مکزیک (سال تأسیس صندوق: ۲۰۰۰)

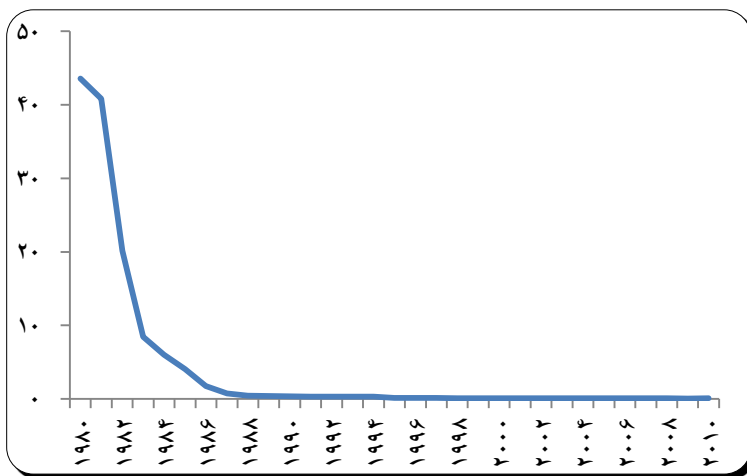


نمودار (۱۵): شاخص مصرف کننده و تعدیل تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۶ (درصد)

نمودار (۱۷): شاخص نرخ ارز مؤثر مکزیک طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۰



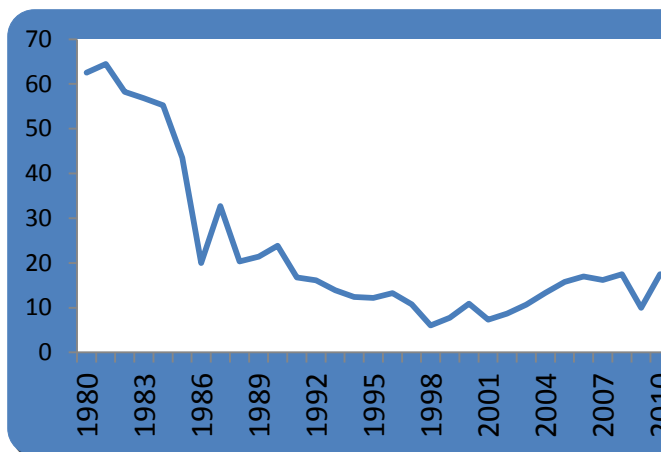
نمودار (۱۴): رشد درآمدهای واقعی نفت و رشد مخارج واقعی دولت طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۶ (درصد)

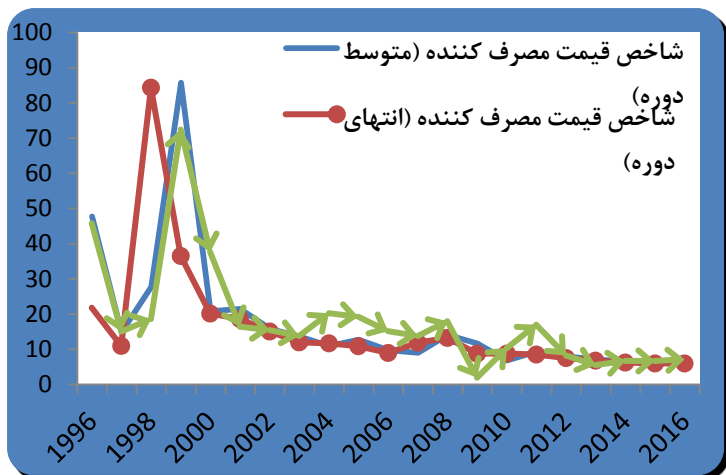




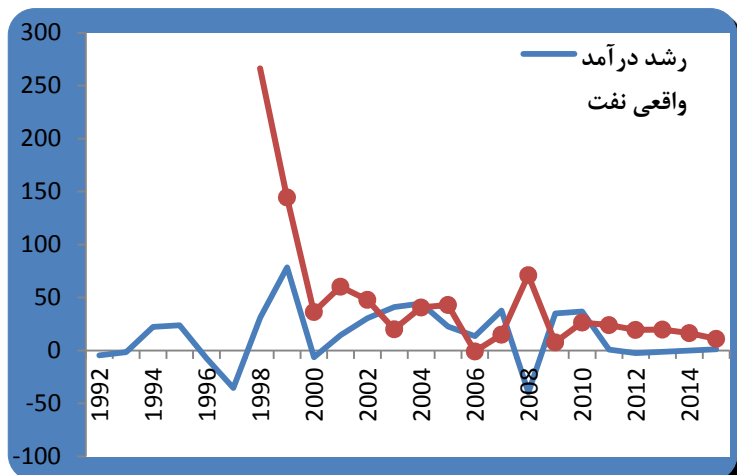
سندوق توسعه ملی

نمودار (۱۶): شاخص وابستگی به درآمد نفت در مکزیک طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۸۰ (درصد)

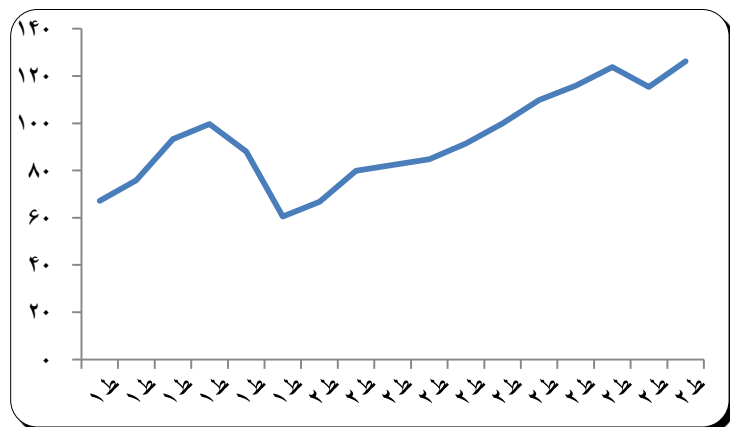




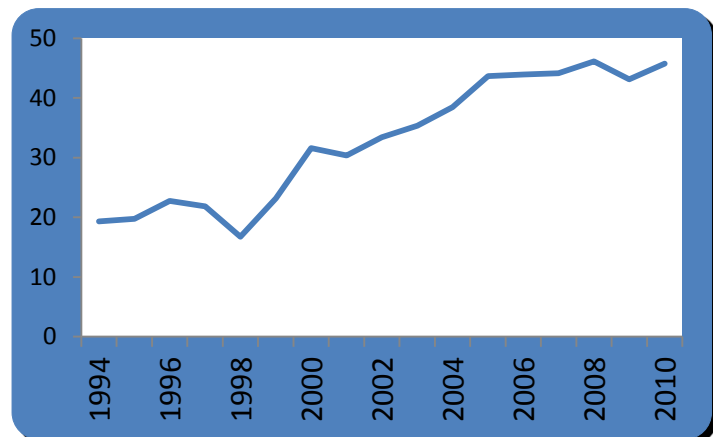
نمودار (۱۹): شاخص مصرف کننده و تعدیل تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۲ در روسیه



نمودار (۱۸): رشد درآمدهای نفتی و رشد مخارج دولت طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۲ در روسیه (درصد)

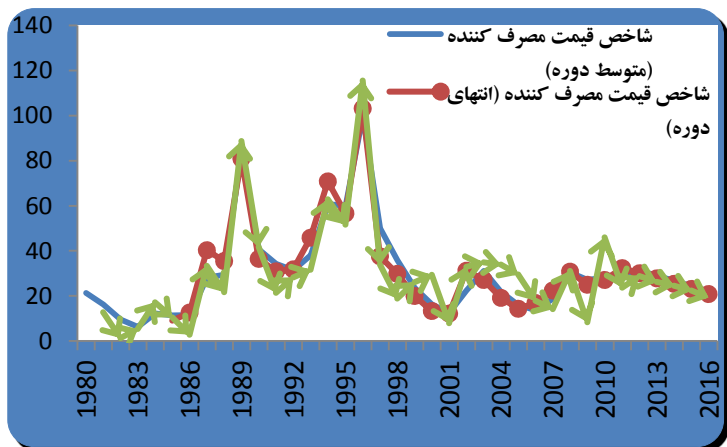


نمودار (۲۱): شاخص نرخ ارز مؤثر بین سالهای ۲۰۱۰-۱۹۸۰

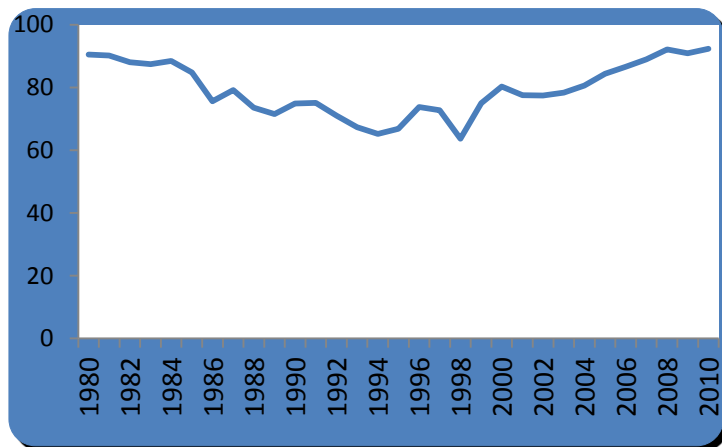


نمودار (۲۰): شاخص وابستگی به درآمد نفتی در روسیه طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۴ (درصد)

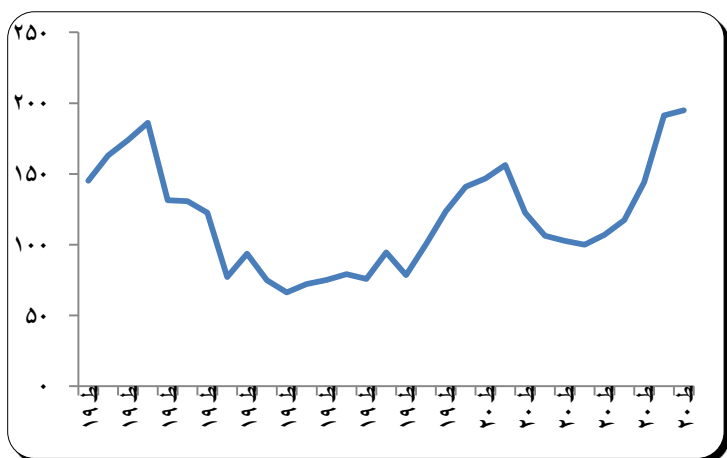
(و) ونزوئلا (سال تأسیس آخرین صندوق: ۱۹۹۸)



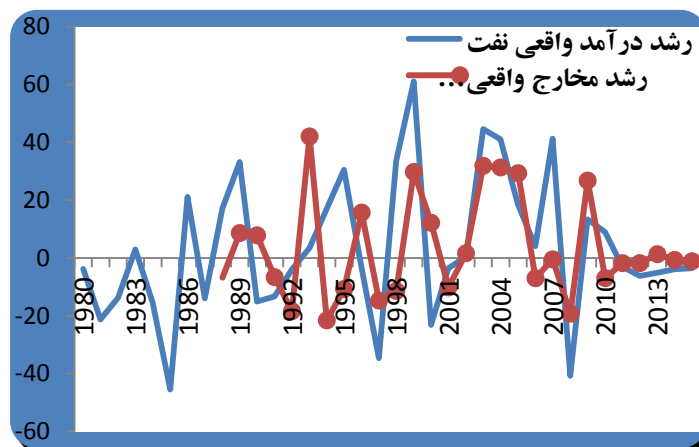
نمودار (۲۳): شاخص مصرف کننده و تعدیل تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۸۰ در ونزوئلا



نمودار (۲۲): شاخص وابستگی به درآمد نفتی در ونزوئلا طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۸۰ (درصد)



نمودار (۲۵): شاخص نرخ ارز مؤثر ونزوئلا بین سالهای ۲۰۱۰-۱۹۸۰



نمودار (۲۴): رشد واقعی درآمدهای نفتی و مخارج دولت طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۸۰ در ونزوئلا (درصد)